

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نویسنده: جان محمد
ایالت اریزونا، امریکا
۲۹ مارچ، ۲۰۰۹

بحثی در بارهٔ املاي زبان دری

تبصره یی بر جوابیهٔ آقای محترم معروفی

جوابیهٔ آقای محترم خلیل الله معروفی را که پیرامون نوشته ام تحت عنوان "نویسندگان یا نویسندگان؟" نوشته اند، در پورتال افغانستان آزاد-آزاد افغانستان، خواندم. محترم معروفی در نوشتهٔ شان به موضوعات مختلف، منجمله به رد دلایلی که من بر اساس آنها صورت نگارشی "نویسندگان" را بر صورت "نویسندگان" برتر دانسته بودم، پرداخته اند. خدمت آن جناب به عرض میرسانم که با بعضی از نکاتی که ایشان در نوشتهٔ شان به آنها اشاره کرده اند، موافقت ندارم. در نوشتهٔ کنونی، میکوشم تا به بعضی از ایرادات آن محترم پاسخی ارائه کنم، اما پیشتر از آن، لازم میدانم تا چند حرفی پیرامون موضوعات دیگری که ایشان در نوشتهٔ خود از آنها تذکر به عمل آورده اند، بنویسم تا موقف در قبال این مسایل واضح و روشن باشد.

۱- در آغاز نوشتهٔ شان، جناب محترم معروفی بنده را هم به پیروی و هم به تخلف از اصول گنجانیده شده در رسالهٔ روش املاي زبان دری متهم نموده اند. جهت وضاحت موقف باید بگویم که من با تمام توصیه های داده شده در روش املاي زبان دری موافق نیستم. تعدادی را میپذیرم و تعدادی را هم رد میکنم، اما مانند هر گویندهٔ دیگر زبان دری، تمام اصول و موازین زبان نوشتاری دری را پذیرفته و از آنها پیروی میکنم. صرف در مواردی که دوگانه گی املاي موجود باشد، من همان صورتی را به کار میبرم که هم با اصول زبان نوشتاری دری و هم با تلفظ کلمه هماهنگی داشته باشد.

۲- محترم معروفی از هیئت تدوین روش املاي زبان دری هم شدیداً انتقاد کرده و اعضای هیئت را شایستهٔ وظیفه یی که به آنها سپرده شده بود، نمیدانند. در این رابطه همین قدر میخوام بگویم که اشخاصی که برای تدوین رسالهٔ روش املاي زبان دری موظف شده بودند از بهترین دانشمندان زبان و ادب دری بودند. اعضای کمیته کسانی بودند که هم از لحاظ سابقهٔ تحصیلی و هم از لحاظ مسلک و تجربه، شایسته ترین افراد برای این کار محسوب میشدند. این یک واقعیت بود و است. صحت گفته ام را محترم معروفی میتوانند از سایر استادان پوهنتون کابل و اکادمی علوم جویا شوند. به گمانم، آقای محترم معروفی بدون این که از تمام اعضای کمیته شناخت لازم داشته باشند، دست به داوری زده و آنها را بیصلاحیت قلمداد کرده اند، در حالی که واقعیت امر با چنین برداشتی کاملاً در مغایرت قرار دارد.

افزود بر این، آقای معروفی نوشته اند که هیئت تدوین رسالهٔ روش املاي زبان دری مورد قبول شان نیست، زیرا در رأس آن دستگیر پنجشیری قرار داشت. ایراد فوق قابل پذیرش بود، در صورتی که دست دستگیر پنجشیری، به استثنای یک امتناییه، در دیگر بخشهای رساله هم دخیل میبود. آقای معروفی نیک میدانند که دستگیر پنجشیری صرف ریاست اتحادیه را به عهده داشتند، نه تدوین رساله را.

۳- عواملی وجود دارند که کار تشریح و توضیح نگارش زبان دری را دشوارتر میکنند و نمونهٔ آن در جوابیهٔ محترم معروفی به وضاحت دیده میشود. یکی از این عوامل عبارتست از تشریح زبان نوشتاری و گاهی هم نظام صوتی دری با استفاده از اصطلاحات مروج در زبان عربی. به طور مثال، ما اصطلاحاتی داریم از قبیل، "های

غیرملفوظ"، "او معروف"، "یای مجهول"، الف ممدوده" و غیره که بر مبنای زبانشناسی معاصر غیر قابل تعریف اند. به گونه نمونه، بیابید همین "های غیر ملفوظ" را مد نظر بگیریم. این اصطلاح را خود آقای معروفی چنین تشریح کرده اند: "های غیر ملفوظ" خود تلفظ نمیگردد، ولی حرف ماقبل خود را فتحه میدهد."

در این جا دو نکته قابل تأمل است. نخست این که، وقتی گفته میشود "های غیر ملفوظ" حرف ماقبل خود را فتحه میدهد، یعنی چی؟ برای نشان دادن اصوات در زبان دری، ما دو نوع نشانه داریم. یکی نشانه های اصلی اند که مجموعه آنها الفبای زبان دری را تشکیل میدهد. دیگرش نشانه های ثانوی اند که بالا یا زیر حروف می آیند و به نام فتحه، کسره و غیره یاد میشوند. در زبان نوشتاری دری، فتحه نشانه بیست که برای نشان دادن مصوت کوتاه، که معادل آن در زبان انگلیسی /a/ است، به کار میرود. به عبارت دیگر فتحه صوت نیست، بلکه بر عکس نام یک نشانه ثانوی است، که برای نشان دادن یک مصوت کوتاه استفاده میشود. بناءً، این نادرست است که گفته میشود "های غیر ملفوظ" حرف ماقبل خود را فتحه یا کسره میدهد.

دوم این که، در تعریف "های غیر ملفوظ" گفته میشود که "ه" تلفظ نمیگردد. آیا واقعاً "ه" تلفظ نمیگردد؟ آیا دری زبانان کلمات "تر" و "تره"، "سبز" و "سبزه"، "گشت" و "گشته" و دهها مثالهای مشابه به اینها را یکسان تلفظ میکنند؟ جواب منفی است، زیرا ما این کلمات را یکسان تلفظ نمیکنیم. پس، باز هم این نادرست است که ما میگوییم "ه" در کلمات فوق غیر ملفوظ است. حرف "ه" در مثالهای فوق ملفوظ است. در مجموع، اکثریت زبانهای دنیا دو نوع صوت دارند، که یکی را صامت consonant و دیگرش را مصوت vowel مینامند. در مثالهای فوق، "ه" نشان دهنده یک مصوت است، که در الفبای لاتین با حرف /a/ نشان داده میشود.

عامل دیگری که تشریح و توضیح زبان نوشتاری دری را مشکل میسازد، تفکیک نکردن اصوات و حروف از هم دیگر است. اگر اشتباه نکرده باشم، از جویبه محترم معروفی چنین برداشت میشود که گویا موصوف میان اصوات و حروف فرقی قابل نیستند و یا هم نتوانسته اند یکی را از دیگری تفکیک کنند. به گونه نمونه، موصوف نوشته اند:

"خواه بگوئیم که "های غیر ملفوظ" کلمات "ستاره و جامه" در هنگام جمع بستن با "آن"، به اصل خود یعنی "گ" برگشته و بعد با "آن" یکجا شده و "ستارگان و جامگان" را میسازد و یا بگوئیم که ما حین جمعبندی کلمات "ستاره و جامه" از جمع دری قدیم این کلمات کار گرفته و "ستارگان و جامگان" میگوئیم نتیجه یکپست و آن اینکه:

در جمع این کلمات، "های غیر ملفوظ" هرگز وجود ندارد!!!!!"

از توضیحات آقای معروفی دانسته نشد که منظور ایشان از "های غیر ملفوظ" حرف "ه" است یا صوت پایانی کلمات "ستاره" و "جامه"، که یک مصوت است و معادل آن در الفبای لاتین با حرف /a/ نوشته میشود. به عبارت دیگر، وقتی ایشان میگویند "های غیر ملفوظ" به اصل خود یعنی "گ" برگشته، فهمیده نمیشود که آیا منظور شان اینست که حرف "ه" به حرف "گ" تبدیل میشود یا این که صوت انجامین کلمات مورد نظر (که یک مصوت است و با حرف "ه" نشان داده میشود) به صوتی تبدیل میشود که با حرف "گ" نشان داده میشود.

در هر دو صورت، نکته شایان ذکر اینست که محترم معروفی میان اصوات و حروفی که برای نشان دادن آنها به کار میروند، فرقی قابل نیستند. این یکی از عواملیست که ایشان هنوز هم اصرار میکنند که "های غیر ملفوظ" به "گ" تبدیل میشود، با وجودی که من در نوشته قبلی ام صریحاً یاد آور شدم که در حال حاضر تمام زبانشناسان، خواه افغانی باشند خواه ایرانی، بر این امر متفق اند که صوتی که "های غیر ملفوظ" برای نشان دادن آن در کلماتی چون "ستاره، جامه" به کار میروند، در تلفظ صورت جمع این کلمات هنوز هم موجود است. ادعای محترم معروفی در صورتی درست میبود که صوت انجامین این کلمات در تلفظ صورت جمع آنها وجود نمیداشت. جهت وضاحت بیشتر این مطلب، من میخواهم که با استفاده از الفبای فونیمی بر مسأله روشنی بیندازم. قابل تذکر میدانم که الفبای فونیمی، که اساس آن را حروف لاتینی تشکیل میدهد، به الفبایی گویند که در آن هر صوت توسط یک حرف نشان داده میشود و هر حرف صرف یک صوت را نشان میدهد. در زبان دری کلمه "ستاره" از شش و کلمه "جامه" از چهار صوت تشکیل شده اند. در الفبای فونیمی هر یک از این کلمات به صورت زیر نوشته میشوند:

/setarə/
/jamæ/

طوری که میبینیم، کلمه "ستاره" با شش و کلمه "جامه" با چهار حرف نوشته شده اند. در هر دو کلمه صوت انجامین /æ/ است، که در نگارش ما آن را با "ه" که در چنین موارد به نام "های غیر ملفوظ" یاد میشود، مینویسیم. حال بیابید این کلمات را با پسوند "آن" که از دو صوت متشکل است، جمع ببندیم:

/setaræ/ + /an/ → /setaræan/

/jamæ/ + /an/ → jamæan/

بعد از افزودن پسوند جمع به این کلمات، ما میبینیم که در صورتهای حاصله دو مصوت (/a/ و /æ/) پهلوی هم قرار گرفته اند. همان گونه که در یکی از مقالات قبلی ام هم یاد آور شده ام، تلفظ دو مصوت پهلوی هم دشوار است و در اکثر زبانها، به شمول زبان دری، یک صامت را میان این دو مصوت می افزایند تا این تسلسل از هم بشکند. در این گونه موارد، در زبان دری صامت /g/، که با حرف "گ" نوشته میشود، میان این دو مصوت افزوده میشود. به ترتیب ذیل:

/setaræ/ + /an/ → /setaræan/ → /setarægan/

/jamæ/ + /an/ → jamæan/ → jamægan/

حال عین پروسه جمع بندی کلمات فوق را با الفبای زبان دری نشان میدهم:

ستاره + آن ← ستاره آن

جامه + آن ← جامه آن

بعد از افزودن صامت میانجی "گ" صورتهای زیر به دست می آید:

ستاره + آن ← ستاره آن ← ستاره گان

جامه + آن ← جامه آن ← جامه گان

نکات فوق بیانگر موقف من در مورد موضوع زیر بحث است. اما، موقف محترم معروفی متفاوت از چیز است من در فوق تشریح دادم. ایشان در مورد دو دلیل متفاوت ارائه کرده اند:

یکی این که در کلمات مورد بحث "های غیر ملفوظ" به "گ" تبدیل میشود. اما، همان گونه که ذریعۀ الفبای فونیمی این کلمات نشان دادیم، صوتی را که با "های غیر ملفوظ" نشان میدهم (صوتی که در فوق زیر آن خط کشیده شده است)، هنوز هم در صورت جمع این کلمات موجود است. بناءً، هیچ صوتی به صوت دیگری تبدیل نشده است و نمیشود.

استدلال دوم آقای معروفی اینست که کلماتی چون "ستاره، جامه" زمانی "ستارگ، جامگ" بوده اند. بناءً، وقتی پسوند جمع (آن) را به آنها می افزاییم، صورتهای "ستارگان، جامگان" به دست می آید. این استدلال آقای معروفی کاملاً منطقی و به جا است، اما اگر واقعاً چنین باشد، ایشان باید به سوالها زیر هم پاسخ ارائه کنند:

نخست، اگر استدلال آقای معروفی درست باشد، پس آیا میتوانیم حکم کنیم که تمام کلماتی که صوت انجامین آنها با "های غیر ملفوظ" نشان داده میشود و با "آن" جمع بسته میشوند، در دری میانه یا باستان با صوت "گ" پایان مییافته اند؟ چنین حکمی باید به اساس موازین زبانشناسی تاریخی ثابت شود. امیدوارم محترم معروفی در مورد پاسخ ارائه کنند.

قابل یاد آور است که اکثریت زبانشناسان معتقد اند که تعداد محدودی از کلمات چون "جامه، برده، زنده" در دری میانه/باستان شکل "جامک، بردک زندک" را داشتند، که به مرور زمان صوت انجامین آنها از "ک" به "گ" تبدیل شده و بلاخره در دری معاصر صوت "گ" هم از آخر آنها افتیده و حذف شده است. اما در مورد تمام کلمات مختوم به /æ/ تا کنون چنین ادعایی صورت نگرفته است.

هرگاه چنین ادعایی به اثبات هم برسد، مشکل کلماتی که از عربی به عاریت گرفته شده اند، چطور میشود؟ اگر کلمه سیاره را کنار بگذاریم و از مثالهای خود آقای معروفی کار بگیریم، در کلمات "نخبه گان، زبده گان، سفله گان" صوت "گ" از کجا می آید؟ آیا این کلمات هم روزگاری "نخبک، زبدهک، سفلهک" بوده اند؟ جواب منفی است. در جوابیه شان عنوانی من، محترم معروفی میگویند که "گ" در این مثالها خود جانشین "های غیر ملفوظ گردیده". اما، طوری که در فوق هم اشاره کردم، چنین ادعایی واقعیت ندارد. برای اثبات موضوع، باز هم صورت مفرد و جمع این کلمات را با الفبای فونیمی نشان میدهم، تا ایشان خود ببینند که صوت انجامین این کلمات (که در نگارش با "های غیر ملفوظ" نشان داده شده است) هنوز هم در تلفظ صورت جمع موجود است و به "گ" تبدیل نشده است:

/noxbæ/ + an → /noxbæan/ → /noxbægan/

/zobdægan/ /zobdæ/ + an → /zobdæan/ →

/soflægan/ /soflæ/ + an → /soflæan/ →

مثالهای فوق نشان میدهند که صوت انجامین این کلمات در صورتهای جمع شان هم موجود است. این که آقای معروفی آن را در نگارش ننویسند، دال بر آن نیست که گویا "ه" به "گ" تبدیل شده است.

دوم، اگر تمام این کلمات واقعاً هم روزگاری به صوت "گ" می انجامیده اند، پس چرا بعد از افزودن پسوند نکره (و موصولی) به آنها، صوت "گ" ظاهر نمیشود؟ مثلاً، چرا به جای "ستاره یی، جامه یی" (یک ستاره، یک جامه)، ما "ستارگی، جامگی" نمیگوییم؟ یا چرا بعد از افزودن پسوند جمع "ها" به این کلمات، ما "ستارگ ها" یا "جامگ ها" نمیگوییم؟

در آخر، گفتنیهایم را در مورد موضوع زیر بحث بار دیگر به صورت خلاصه بیان میکنم:

۱- صوت انجامین کلماتی چون "ستاره، جامه" و غیره یک مصوت است که در نگارش با حرف "ه"، که در همچو موارد به نام "های غیرملفوظ" یاد میشود، نشان داده میشود.

۲- اگر این کلمات را با پسوند "آن" جمع ببندیم، "ه" به "گ" تبدیل نمیشود. صوتی که "ه" برای نشان دادن آن به کار میرود، هنوز هم در تلفظ صورت جمع این کلمات موجود است.

۳- یکی از اصلهایی که بر اساس آن یک زبان نوشتاری خوب از ناقص تفکیک میشود، اینست که در یک زبان نوشتاری خوب هر صوت توسط یک حرف نوشته میشود. هرگاه ما در نگارش از صورت جمع کلمات "ستاره، جامه" حرف "ه" را حذف کنیم، در حقیقت این اصل را زیر پا میگذاریم. بناءً، بهتر است "ستاره گان، جامه گان" بنویسیم، نه "ستارگان، جامگان".

۴- گیریم که اگر همه ما توافق هم بکنیم که "ه" را در همچو موارد حذف کنیم، پس بیایید این را به حیث یکی از قواعد زبان نوشتاری دری قبول کرده و در تمام موارد از آن پیروی کنیم. اما باز هم میبینیم که کسانی که طرفدار حذف "ه" در همچو موارد استند، خود توصیه میکنند که ما، مثلاً "علاقه مند، حلقه وار، دامنه دار، بهره مند، نوشته ها، فاجعه ناک، هرزه گی" و غیره بنویسیم و نباید "ه" را در همچو موارد حذف کنیم. سوال اینست که چرا ما حکم میکنیم که در این موارد "ه" حذف نشود، اما اگر یک کلمه مختوم به "ه" با "آن" جمع شود، در آن صورت ما باید "ه" را حذف کنیم؟

به نظر من چنین توصیه های دوگانه، که هیچ دلیل موجهی برای صدور آنها ارائه هم نشده است، نمایانگر سلیقه های فردیست و یادگیری زبان نوشتاری را دشوارتر میکند. اگر ما واقعاً میخواهیم یادگیری زبان نوشتاری ما را ساده تر و آسانتر کنیم، پس بهتر خواهد بود تا ما در توصیه های خود خصوصیات یک زبان نوشتاری خوب و برتر را مد نظر بگیریم، نه سلیقه های فردی و شخصی را.